



در سالروز قیام نوزدهم دی (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.
السلام عليك يا سيدتي يا فاطمة المعصومة يا بنت موسى بن جعفر و رحمة الله و بركاته.

دیدار جمع پُرشور مردم عزیز قم برای این حقیر همیشه فرصت مغتنمی بود؛ دو سال است که محروم بودیم، امروز تجدید دیداری با جمع حاضر میکنیم و به همه‌ی مردم عزیز قم سلام و درود و اظهار ارادت خودمان را ابلاغ میکنیم.

صحبت امروز درباره‌ی حادثه‌ی مهم و تاریخی نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶ است. بعضی از حوادث تاریخی که دارای مضمونهای عمیق هستند و پیامهای بلندی را به مردم نسلهای بعد میرسانند، باید زنده بمانند؛ درباره‌ی اینها بایستی بحث بشود، صحبت بشود؛ نباید بگذاریم غبار فراموشی بر روی این حوادث بزرگ بنشیند. حادثه‌ی نوزدهم دی از این قبیل است.

البته حادثه‌ی نوزدهم دی را وقتی بحث میکنیم، در واقع این حادثه و دنباله‌های این حادثه -[چون] این حادثه منشأ یک حرکت سلسله‌واری شد که همان حرکت هم به پیروزی انقلاب انجامید؛ بنابراین، نگاه صرفاً به یک حادثه‌ی محدود در یکی دو روز نیست؛ نگاه به این حادثه به عنوان سرمنشأ یک تحول عظیم است- نشانه‌ی عمق اعتقاد دینی مردم است؛ ما روی این نکته میکنیم، تأکید میکنیم؛ [این] جزو واضحات و بیّنات انقلاب است، منتها تبلیغات کسانی که کینه‌ی انقلاب همچنان در دل آنها هست، بتدریج موجب میشود که حتی بیّنات انقلاب هم مورد تردید قرار بگیرد. من تأکید میکنم که حادثه‌ی نوزدهم دی ماه در قم و همچنین دنباله‌های آن حادثه نشان‌دهنده‌ی عمق اعتقاد دینی مردم است. ربط این حادثه به یک مرجع دینی، به مرجع تقلید، این حادثه را به وجود آورد؛ یعنی اگر محور این حادثه شخص امام راحل (رضوان الله علیه) به عنوان یک مرجع و به عنوان یک رهبر روحانی و عالم مبارز نبود، این حادثه پیش نمی‌آمد، و چیزی از قبیل این حادثه پیش نمی‌آمد؛ هیچ شخص دیگری، هیچ جریان دیگری، نمیتوانست کاری کند و وضعی داشته باشد که یک شهر را، بعد یک شهر دیگر را، بعد همین طور شهرهای متعدد دیگر را و در نهایت یک ملت را این جور به حرکت وادار کند.

شما میدانید در رژیم طاغوت صدها نفر از بزرگان و شخصیت‌های جریانهای مختلف سیاسی که بعضی‌شان یا اکثرشان اهل مبارزه هم بودند، از چپ، راست، مارکسیست و دیگران، مورد تهدید قرار گرفتند، زندان افتادند، شکنجه شدند، اعدام شدند، و مورد اهانت قرار گرفتند، آب از آب تکان نخورد؛ یعنی نتوانست هیچ تأثیری در محیط اجتماعی مردم بگذارد اما برای امام بزرگوار چهار خط در روزنامه نوشتند، این حادثه‌ی عظیم در قم پیش آمد؛ این به معنای آن است که این حادثه با مرجع تقلید، با عالم روحانی، با دین و با مسائل دینی ارتباط دارد.

و من به شما عرض بکنم که اغلب قضایای مهمی که در این ۱۵۰ سال اخیر در کشور ما واقع شده، از این قبیل است؛ تقریباً در همه‌ی حوادث تاریخی، حوادث اجتماعی، حوادثی که مردم وارد میدان شدند و توانستند یک کاری را به ثمر برسانند و انجام بدهند -یعنی تا آنجایی که بنده در ذهنم هست- پای یک مرجع دینی، یک عالم دینی و عالم



شجاع، مبارز و سیاست‌شناس در میان است. مثلاً فرض بفرمایید که در قضیه‌ی تنباکو، میرزای شیرازی است؛ در مشروطه مراجع نجفند، علمای بزرگ تهران و تبریز و اصفهان و جاهای دیگرند؛ در مسئله‌ی حادثه‌ی مهم مسجد گوهرشاد، مرحوم حاج آقا حسین قمی (رضوان الله علیه) و علمای مشهدند؛ در سی‌ام تیر، مرحوم آیت‌الله کاشانی است؛ در پانزدهم خرداد سال ۴۲، امام بزرگوار و برخی از بزرگان و علمای دیگر هستند؛ یک روحانی شجاع، مبارز و سیاست‌شناس در همه‌ی این حوادث حضور دارد، و این حضور او است که سرمنشأ تحرک مردمی است. بله، ممکن است مثلاً یک شخصی، یک آدم بانفوذی بتواند یک تعدادی از مردم را یک جایی وادار به یک عکس‌العملی، به یک تحرکی بکند لکن حرکت عظیم مردم، تکان دادن و به موج درآوردن این اقیانوس عظیم، فقط کار عالم دینی است، فقط کار مرجع روحانی است؛ و از اینجا میشود راز دشمنی قدرتهای مستکبر عالم را با علمای دین، علمای سیاسی، با دین سیاسی، با فقه سیاسی، با عالم سیاسی فهمید که چرا دشمنند؛ چون حضور اینها، حضور ضد استکباری و ضد استعماری است و این قضایای بزرگ را به وجود آورده؛ اینها میدانند، لذا با عالم سیاسی مخالفند، با مرجع سیاسی مخالفند، با فقه سیاسی مخالفند، با دین سیاسی و اسلام سیاسی صریحاً میگویند مخالفند؛ و این حقیقتی است که باید [به آن] توجه داشت.

ضمناً دشمنی و کینه‌ورزی عمیق آمریکا با نظام جمهوری اسلامی ایران هم از همین جا فهمیده میشود. نظام جمهوری اسلامی، مظهر اعتقاد دینی مردم است و ناشی از نگاه انقلابی برخاسته‌ی از دین به مسائل جاری جهان و کشور است؛ از این جهت رأس استکبار که آمریکا است، با جمهوری اسلامی مخالف است. اینکه حالا بعضی‌ها بگویند چرا شما با آمریکا مخالفت میکنید، چرا میگویید «مرگ بر آمریکا»، به نظر ما ظاهربینانه است، سطحی‌نگری است؛ عمق قضیه همین است که طبیعت استکبار، با پدیده‌ای مثل جمهوری اسلامی که همه چیزش از دین است، مربوط به تفسیر علمای دین و یک حرکت دینی است، طبیعتاً مخالف است. این یک مطلب و یک نکته در مورد مسئله‌ی نوزدهم دی.

یک نکته‌ی دیگر این است که نقش غیرت دینی مردم را در این قضیه نبایستی نادیده گرفت. علت اینکه من روی این تکیه میکنم این است که انسان میبیند تبلیغ میشود و در واقع تلاش فرهنگی وسیعی انجام میگیرد برای اینکه چیزهایی که ناشی از غیرت دینی است، به بی‌منطقی و خشونت‌های بی‌منطق متهم کنند. من میخواهم عرض بکنم که نه، قضیه این جور نیست؛ غیرت دینی، در آنجایی که خودش را نشان میدهد و تأثیرگذار است، همراه با عقلانیت است؛ و غیرت دینی اساساً ناشی از بصیرت است، که بصیرت یک شعبه‌ای از عقلانیت است و نشان‌دهنده‌ی عمق دین‌داری است و در اغلب موارد این غیرت دینی وقتی شما نگاه میکنید، می‌بینید که با عقلانیت همراه است. شخصیت‌هایی که بیشترین غیرت دینی را دارند، اینها غالباً دارای عقلانیت بالا هستند؛ نمونه‌اش شخص امام بزرگوار؛ اوج غیرت دینی بود، واقعاً هیچ کس را ما ندیدیم و نشناختیم که از لحاظ غیرت نسبت به دین و فرهنگ دینی و زندگی دینی و سبک زندگی دینی و احکام دینی مثل امام بزرگوار باشد؛ در عین حال در اوج عقلانیت بود؛ خردمند، عاقل و دانشمند. و من خوب است در این مناسبت یاد کنم از فقیه و فیلسوف معاصرمان، مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی که ایشان هم همین جور بودند؛ ایشان هم انصافاً شاگرد شایسته‌ی امام بود و هم در غیرت دینی در اوج بود، هم در عقلانیت، یک فیلسوف به معنای واقعی کلمه بود. قیام نوزدهم دی یک ترکیب درخشانی است از غیرت و عقلانیت.

حالا من یک مختصر توضیحی عرض میکنم تا روشن بشود که چقدر در زمینه‌ی عقلانیت، این قیام توفیق به دست آورده است. هدف طاغوت این بود -یعنی مسئله‌ی نوشتن آن مقاله در [روزنامه‌ی] اطلاعات (۲) یک چیز دفعی و آنی نبود که آن‌ا تصمیم‌گیری کرده باشند؛ این یک هدف بزرگی را تعقیب میکرد- که قدسیّت امام را بشکنند؛ آن عظمتی را که امام در چشم مردم داشت و به فرمان او حرکت میکردند، بشکنند و از بین ببرند. میدیدند نفوذ روزافزون



امام را در افکار مردم، در اذهان مردم؛ این را مشاهده میکردند؛ میخواستند جایگاه امام را تنزل بدهند در بین مردم؛ لذا شروع کردند به این کار. اگر چنانچه مشیت محکم مردم قم در روز نوزدهم دی به سینه‌ی طاغوت نمیخورد، این کار ادامه پیدا میکرد؛ فقط همان یک مقاله نبود؛ مقالات متعدّد، کتاب، داستان مینوشتند، فیلم و غیره درست میکردند برای اینکه امام را و جایگاه امام را در چشم مردم تنزل بدهند، و در واقع مرکزیت نهضت را از بین ببرند؛ چون امام محور این حرکت عظیم مردم که روزبه‌روز گسترش پیدا میکرد [بود] و دستگاه‌های امنیتی طاغوت میدیدند و میفهمیدند این حقیقت را، [لذا] میخواستند این محور حرکت را و مرکز نیروبخش این حرکت را با این کار از بین ببرند.

پشت طاغوت هم به آمریکا گرم بود؛ یعنی خاطرش جمع بود که هر حرکتی که در این زمینه انجام بدهد و دنباله‌هایش امام را به یک امر مثلاً افراطی و خشونت‌زایی متهم کنند و بنا بگذارند بر اینکه هر کسی را که طرفدار این بزرگوار است، مورد فشار قرار بدهند، آمریکا پشت سر او است و عکس‌العمل جهانی، واکنش بین‌المللی و امثال اینها پیدا نمیکند. میدانید در همان روزها در ژانویه‌ی آن سال، [یعنی] دهم دی سال ۵۶، کارتر در تهران بود و جشن ژانویه‌شان را در تهران با شاه گرفتند؛ آنجا یک نطق کرد که و گفت که ایران -ایران پهلوی- جزیره‌ی ثبات است. از غلط‌هایی و اشتباهاتی که کرد و واضح شد چقدر محاسبات اینها اشتباه است -هنوز هم محاسبات آمریکایی‌ها اشتباه است- یکی‌اش همین حرف بود که گفت ایران جزیره‌ی ثبات است. پس بنابراین طاغوت -محمدرضا- احساس میکرد که موقعیت کاملاً مناسب است برای اینکه نهضت را با کوبیدن امام بزرگوار [خاموش کند]؛ که حالا جسمش از دسترس آنها دور بود، [چون] امام در نجف بودند، ولیکن میتوانستند ذکر امام، یاد امام، حرمت امام را مورد خدشه و مناقشه و توهین قرار بدهند؛ دیدند فرصت، فرصت خوبی است و این کار را شروع کردند. پس کار، کار یک محاسبه بود، یعنی آنها روی مسئله محاسبه کرده بودند و نشسته بودند و نقشه کشیده بودند.

مردم قم این محاسبه را به هم زدند؛ یعنی در واقع این کار مردم قم محاسبه‌ی دشمن را به هم زد؛ فالتّذین کفّروا همّ المکیدون؛ (۳) آنها توطئه چیدند اما این توطئه علیه خودشان تمام شد؛ یعنی میخواستند امام را بشکنند، [اما] موجب شد که امام مستحکم‌تر، پُرفروغ‌تر در صحنه ظاهر شد؛ میخواستند رابطه‌ی مردم را با امام ضعیف کنند، این رابطه مستحکم‌تر شد؛ میخواستند نهضت را تضعیف کنند، این نهضت قوی‌تر شد؛ در واقع حرکت مردم متضمّن یک چنین محاسبه‌ای بود. نمیگوییم تک‌تک آحاد مردمی که آمدند به خیابان این محاسبه را کرده بودند، اما پشت این حرکت جمعی، که در واقع خدای متعال این حرکت را به مردم الهام کرده بود، یک محاسبه‌ی مهمی بود که این محاسبه، محاسبه‌ی دشمن را به هم زد، نابود کرد نقشه‌ی دشمن را؛ یعنی همان کسی که در این روز -دهم دی سال ۵۶- ایران را جزیره‌ی ثبات نامیده بود، یعنی خود این کارتر، سال بعد در دی سال ۵۷ مجبور شد که هایلز (۴) را بفرستد تهران برای اینکه نهضت را به هر وسیله‌ای که هست و هر جور که ممکن است خاموش کند -با کودتا، با کشتار، با قتل‌عام مردم، این کار را بکند- که البته در این کار هم بحمدالله ناموفق ماند و نتوانستند جلوی حدوث انقلاب را بگیرند.

این محاسبه‌ی غلط آمریکا در دستگاه محاسباتی‌شان همین طور ادامه دارد؛ الان هم همین جور است؛ الان هم درباره‌ی مسائل گوناگون، یک محاسبه‌ای میکنند، [ولی شکست میخورند]؛ نمونه‌اش همین مسئله‌ی تازه باقی ماندن شهادت شهید عزیزمان، شهید سلیمانی است؛ چه فکر میکردند، چه شد! آنها فکر میکردند که با از بین بردن شهید سلیمانی، نهضت و حرکت عظیمی که او نماینده‌اش بود، نمودارش بود و نمادش بود خاموش خواهد شد؛ می‌بینید که بیشتر شده. امسال در سالگرد دوّم شهادت شهید سلیمانی، این حرکت عظیم کار چه کسی بود؟ دست چه کسی بود؟ چه کسی میتواند ادّعا کند که این کار را من کردم و ما کردیم؟ جز کار قدرت الهی و دست قدرت الهی نبود. در ایران، در خارج از ایران، این حرکت عظیم، این اظهار ارادت و اخلاص عمومی نسبت به شهید سلیمانی را



دشمن نمیتوانست محاسبه بکند و نمیتواند محاسبه کند این چیزها را ؛ دستگاه محاسباتی دشمن حقا و انصافاً غافل و خراب است ؛ نمیتواند حقایق مربوط به جمهوری اسلامی را آن چنان که هست دریابد. وقتی محاسبه‌ی وضعیّت موجود غلط بود، تصمیم‌ها هم غلط خواهد بود ؛ تصمیم غلط هم موجب میشود که ناکام بمانند، که تا حالا مانده‌اند، بعد از این هم ان شاءالله ناکام خواهند ماند.

خب، عزیزان من! آن روزها گذشت ؛ نوزدهم دی هم فراموش نخواهد شد ؛ بحمدالله تا امروز زنده است، بعد از این هم فراموش نخواهد شد. بعد از حادثه‌ی نوزدهم دی قم نهضت اوج گرفت ؛ خدا حرکت قمی‌ها را برکت داد، این نهضت اوج گرفت، به انقلاب منتهی شد، به روزهای بزرگ انقلاب منتهی شد، امام عظیم الشان پیروزمندانه به کشور برگشت، انقلاب به پیروزی رسید و جمهوری اسلامی-که نظام مردم‌سالار دینی است- برپا شد و به وجود آمد.

۴۳ سال از آن روز دارد میگذرد و این ۴۳ سال با جهاد، با افت و خیز، با انواع و اقسام تحرّکات همراه بوده. این حوادث، حوادث گذشته‌ی ما است که باید از آنها عبرت بگیریم و درس بگیریم، لکن یک ملت زنده فقط به گذشته نگاه نمیکند ؛ یک ملت زنده، در هر مقطعی از تاریخ خود، به اقتضائات زمان خود و وظیفه‌ای که در این لحظه بر عهده‌ی او است و به قدم بعدی -که بعد بایستی چه کار کند- و به چشم‌انداز هم نظر دارد. ما بایستی وظیفه‌ی لحظه‌ی کنونی را بشناسیم، بایستی گامهای خودمان را برای آینده مشخص کنیم، بایستی چشم‌انداز را روشن کنیم، به آن چشم‌انداز چشم بدوزیم و با همه‌ی قدرت و همه‌ی توان باید به سوی آن حرکت بکنیم ؛ این جوری این نهضت به معنای واقعی کلمه کامیاب خواهد شد، به پیروزی نهایی خواهد رسید که عبارت است از حیات طیّبه‌ی ملت ایران در درجه‌ی اوّل -حالا دیگران هم درس گرفتند، آن بحث دیگری است ؛ الگو شد، موضوع دیگری است- به سعادت و زندگی اسلامی که حیات طیّبه است و در آن، هم دنیا هست، هم دین هست، هم رفاه هست، هم جسم هست، هم روح هست و تأمین همه‌ی اینها وجود دارد، ان شاءالله دست پیدا کنیم. الان وسط راهیم. البته تا امروز مبالغی از راه طی شده است، ملت ایران کار کرده، تلاش کرده و یک مقداری ما جلو آمده‌ایم، لکن بایستی امروز وظیفه‌مان را بدانیم و وظیفه‌ی فردا و چشم‌اندازمان را هم بدانیم.

حالا گاهی اوقات انسان میبیند مثلاً فرض کنید یک نظرسنجی‌هایی را درباره‌ی نظرات مردم ابراز میکنند، [اما] اینها حقیقت ملت ایران را نشان نمیدهد ؛ حقیقت ملت ایران را جریان تشییع شهید سلیمانی نشان میدهد ؛ اینها است که نشان میدهد ملت ایران چه حال و هوایی دارند، چه روز و روزگاری را میگذرانند، احساساتشان چیست، باطنشان چیست ؛ یعنی یک عرصه‌ای به عظمت و پهنای کشور ایران و ملت ایران لازم است که بتواند حقیقت این ملت را و باطن این ملت را نشان بدهد. این نظرسنجی‌هایی که حالا بعضی باغرض یا بی‌غرض در گوشه و کنار انجام میدهند، نمیتواند ملاک باشد.

خوشبختانه امروز فکر جوانهای حزب‌اللهی مؤمن در کشور گسترده است. ما خوشبختانه امروز همراه هستیم با فکر انقلابی و مؤمن، فکر زاینده، فکر پیش‌رونده از سوی جمع کثیری از جوانها. بنابراین، بر این اساس من چند تذکر را عرض میکنم. البته تذکرها زیاد است، [اما] اقتضای این جلسه این نیست که انسان وسیع صحبت کند ؛ [لذا] یک تعدادی از تذکرات را عرض میکنم.

تذکر اوّل این است: عزیزان من، کسانی که این سخن را از این بنده‌ی حقیر می‌شنوید! غیرت دینی را حفظ کنید ؛ غیرت دینی را حفظ کنید. عامل نجات کشور در بزنگاه‌های مختلف، غیرت دینی ملت ایران بوده. غیرت دینی است که تهدیدها را به فرصت تبدیل میکند. یک نمونه‌اش جنگ تحمیلی و دفاع هشت‌ساله که یک تهدید بزرگ بود، [اما] غیرت دینی مردم، غیرت دینی جوانها، غیرت دینی پدران و مادران و همسران موجب شد که جوانهای ما بروند به



جبهه و در این جنگ در واقع بین‌المللی، که آمریکای آن روز، شوروی آن روز، ناتوی آن روز، ارتجاع منطقه در آن روز، همه با هم همدست شده بودند که ایران را شکست بدهند و امام را به زانو در بیاورند و نهضت را نابود بکنند، همه‌ی اینها را شکست داد و توانست پیروز بشود. منشأ این، غیرت دینی بود. حالا این، دفاع مقدس؛ در سالهای بعد هم حوادث گوناگونی وجود داشته.

در همین برهه‌ی کنونی خودمان، شهادت همین شهید عزیزمان، شهید سلیمانی. واقعاً شهادت شهید سلیمانی یک حادثه‌ی تاریخی و عجیب شد؛ هیچ کس فکر نمی‌کرد، دوستان هم فکر نمی‌کردند که این حادثه این جور عظمت پیدا بکند و خدای متعال به این حادثه برکت بدهد تا بتواند هویت دینی و انقلابی مردم را جلوی چشم همه قرار بدهد و همه ببینند. ملت ایران، زیر تابوت شهید سلیمانی به معنای واقعی کلمه هویت خودش را نشان داد، وحدت خودش را نشان داد. خب در تهران تشییع، در کرمان تشییع، در تبریز تشییع، در مشهد تشییع، در شهرهای مختلف [ایران] تشییع، در عراق آن تشییع عظیم؛ اگر چنانچه بنا بر این بود که مثلاً این پیکر شهید و مقدس را به سوریه و لبنان ببرند، آنجا هم همین حادثه به وجود می‌آمد؛ اگر پاکستان هم می‌بردند، آنجا هم این حادثه همین جور به وجود می‌آمد. یعنی این حرکت عظیم ملت مسلمان را نشان داد؛ این حادثه، حادثه‌ی عظیمی بود. یعنی شهادت یک شخصیت بزرگی مثل شهید سلیمانی از نظر دشمن و از نظر همه، یک تهدید محسوب میشد اما غیرت ملت مسلمان، ملت ایران، این تهدید را تبدیل کرد به فرصت و یک فرصتی شد.

ما از این قبیل [حوادث] در تاریخ گذشته‌مان داریم؛ حادثه‌ی نهم دی هم از همین قبیل است. حادثه‌ی نهم دی سال ۸۸ هم همین جور است؛ آنجا هم یک تهدید بزرگی راه افتاد، چند ماه هم طول کشید اما غیرت مردم روز نهم دی به میدان آمد و آن حادثه را از بین برد، بلکه آثار سوء را هم از بین برد، آن تهدید را تبدیل کرد به فرصت. این یک نکته که عامل اصلی این پیروزی‌ها، این موفقیت‌ها، این تبدیل شدن تهدیدها به فرصت، غیرت دینی مردم بوده؛ این را بایستی حفظ کرد. گویندگان، نویسندگان، افراد مؤثر در فضاهای ذهنی و فکری مردم به این نکته توجه کنند. البته معلوم است که مخالفین و دشمنان هم کار خودشان را در این زمینه انجام می‌دهند؛ به همین عرایض بنده هم در این زمینه ایراد خواهند کرد، حرف خواهند زد، اما حقیقت همین است؛ حقیقت این است که بایستی این غیرت دینی در مردم محفوظ بماند، و به توفیق الهی محفوظ خواهد ماند.

تذکر دوّمی که عرض میکنم این است: توجه کنید که یکی از کارهایی که امروز بشدت در برنامه‌ریزی‌های دشمنان انقلاب و دشمنان نظام جمهوری اسلامی مطرح است، عبارت است از حساسیت‌زدایی نسبت به اصول و بیّنات و مبانی انقلاب. مردم حساسند دیگر؛ مردم نسبت به مسائل اساسی انقلاب حساسند؛ کسی به این مبانی تعرض بکند، مردم موضع میگیرند. میخواهند این حساسیت را بتدریج کم کنند؛ این هم باز از راه همین تبلیغات وسیعی است که این روزها در فضای مجازی، در رسانه‌های جمعی بیگانه به انواع مختلف انجام میگیرد. گاهی حرف بعضی افراد گوناگون را، آدمهایی را که خیلی ارزشی هم ندارند – نه حرفشان، نه فکرشان – برجسته میکنند و بزرگ میکنند افراد کم‌مایه و پرمّدعایی هستند که همین مبانی انقلاب را، اصول انقلاب را زیر سؤال می‌برند.

اصول انقلاب در درجه‌ی اوّل، مثل حاکمیت دین. اصلاً جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی برای حاکمیت دین خدا تشکیل شد؛ اصلاً برای این است که جامعه با شکل و هندسه‌ی دینی زندگی کند و تنظیم بشود. حکومت با هندسه‌ی دینی تنظیم بشود و حرکت کند و پیش برود و اقدام کند؛ این جزو بیّنات انقلاب بود. مردم جان دادند، خون خودشان را تقدیم کردند، نثار کردند برای اینکه این اتفاق بیفتد؛ این جزو اصول انقلاب است؛ این را تضعیف میکنند. یا مثلاً عدم تسلیم در برابر دشمن مستکبر؛ این جزو اصول انقلاب است. تسلیم نباید شد؛ زورگویی دشمن را نباید تحمل کرد؛ اینکه ما با دشمن من‌باب‌مثال یک وقتی مذاکره کنیم، صحبت کنیم، تعامل کنیم، این یک حرف



دیگر است. انقلاب به ما میگوید که در مقابل زورگویی و حرف زور دشمن، نباید تسلیم شد؛ تا حالا هم به توفیق الهی تسلیم نشده‌ایم، بعد از این هم همین خواهد بود؛ این جزو اصول است. این را تضعیف میکنند، [میگویند] مثلاً «آقا چرا، چه مانعی دارد، چه اشکالی دارد؟» یعنی کمرنگ کردن یک چنین اصول برجسته‌ای. یا استقلال کشور، یا مبارزه با فساد، مبارزه با بی‌عدالتی و امثال اینها؛ اینها اصول انقلاب است.

اینها بخشی از یک جنگ نرم وسیع و متنوع دشمن است که این را دنبال میکنند. بایستی به این توجه داشت و در مقابل این حساسیت‌زدایی باید ایستاد. اهل فکر، اهل قلم، اهل بیان، اهل فعالیت‌های گوناگون اجتماعی، اهل فعالیت در فضای مجازی، آن کسانی که میتوانند و دستشان باز است، در این زمینه مسئولیت دارند؛ و نگذارند که دشمنان بتدریج این حساسیت و حمیت مردمی را کمرنگ کنند.

این را هم ضمناً بدانیم که تصور اینکه این اصول برای مردم، برای کشور و برای آینده سودمند نیست، تصور بسیار غلط و خلاف واقعی است؛ بی‌انصافی محض است. ما در کشورمان در این ۴۳ سال هر جایی که پیشرفتی داشته‌ایم، حرکت موفق داشته‌ایم، و دست بازی داشته‌ایم، آنجایی بوده است که افراد انقلابی با روحیه، با مجاهدت فعال شده‌اند، وارد میدان شده‌اند، کار کرده‌اند، پیش رفته‌ایم. ما در زمینه‌ی پیشرفت علمی، در زمینه‌ی پیشرفتهای صنعتی، پیشرفتهای فنی، پیشرفتهای سیاسی، بخشهای گوناگون، آنجایی که افراد مؤمن، آگاه، وارد، انقلابی، وارد میدان بودند، توانسته‌ایم پیشرفت کنیم؛ [اما] هر جا کار زمین مانده، انسان نگاه که میکند، میبیند پای فرصت‌طلبی‌ها در میان است، پای فساد، اشرافی‌گری و نگاه‌های غیر انقلابی، حرکت‌های غیر انقلابی [در میان است]؛ اینها است که موجب میشود که کارها روی زمین بماند و پیشرفت نکند. بنابراین پایبندی به اصول انقلاب، مسلماً یکی از مهم‌ترین وسایل و ابزارهای پیشرفت کشور و پیشرفت ملت است؛ این هم یک تذکر که به این توجه داشته باشید.

تذکر بعدی که به نظر من این هم بسیار مهم است، مسئله‌ی حفظ وحدت در کشور است. ما عوامل تفرقه را هر چه میتوانیم باید کم کنیم. البته اختلاف سلیقه‌ها وجود دارد، اختلاف نظرها وجود دارد، اختلاف روشها و منشها وجود دارد؛ اینها هست، منتها نباید بگذاریم که اینها به جبهه‌گیری در مقابل یکدیگر بینجامد؛ آن انسجام عمومی مردم با این چیزها نایبستی از بین برود؛ نباید بگذاریم این اختلافها اوج پیدا بکند.

البته به طور طبیعی بعضی هستند که می‌ایستند در مقابل انقلاب، و انقلاب چاره‌ای ندارد که در مقابل آنها بایستد؛ اما اگر بحث بر سر اختلاف نظر، اختلاف سلیقه، اختلاف دیدگاه هست، [اگر] این اختلافها وجود داشته باشد در جامعه، نباید موجب شود که انسجام ملی از بین برود؛ یعنی تصمیم جمعی برای دفاع از کشور، برای پیشرفت کشور، برای امید بخشیدن به جوانها در کشور، و مانند اینها، بایستی باقی بماند.

این را ما باید همیشه در نظر داشته باشیم که در میان جبهه‌ی دشمنی ما در دنیا، دشمنانی هستند که تخصصشان ایجاد اختلاف است؛ تخصصشان «تفرقه بینداز و حکومت کن» است؛ این جزو چیزهای قدیمی‌ای است که مربوط به بعضی از همینها است؛ اینها بلدند این کار را انجام بدهند؛ و انسان میبیند هر جا توانسته‌اند، این کار را هم انجام داده‌اند؛ از جمله اختلاف مذهبی، اختلاف شیعه و سنی؛ نباید بگذاریم که این چیزها در کشور رخ بدهد یا اوج پیدا بکند. خوب در کشور، شیعه و سنی در کنار هم قرن‌ها است زندگی کرده‌اند، سالها است زندگی کرده‌اند، مشکلی نداشته‌اند. ما گاهی اختلاف در بین اقوام داشته‌ایم، درگیری در بین اقوام مختلف، قومیت‌های مختلف داشته‌ایم [اما] در بین شیعه و سنی درگیری و اختلاف نداشته‌ایم؛ حالا [نباید] یک بهانه‌ای به وجود بیاید، یک چنین چیزهایی به وجود بیاید، که البته خوشبختانه بحمدالله چنین چیزی پیش نیامده اما نباید بگذاریم پیش



بیاید، باید مراقبت بکنیم. حالا این را که یک کسی یک حرف غلطی میزند، یک نفر هم احساس تکلیف میکند در مقابل او، نباید کش داد، نباید ادامه داد. بنابراین بایستی همه این انسجام را حفظ بکنند.

شما ملاحظه کنید، خب حکومت جمهوری اسلامی یک حکومت اسلامی است و پرچمش پرچم تشیع است اما الان در کشورهای اسلامی ای که در آنها اهل سنت زندگی میکنند، گاهی اوقات انسان از آنها نسبت به جمهوری اسلامی بشدت اظهار علاقه و ابراز علاقه و تعصب و همکاری و پشتیبانی مشاهده میکند؛ در کشورهای متعددی از شرق آسیا تا غرب آفریقا، هستند کسانی که این جوری برخورد میکنند با جمهوری اسلامی، شیعه هم نیستند. بنابراین در دنیای اسلام، امروز جمهوری اسلامی مظهر اسلام است، مظهر امت اسلامی است، مظهر حاکمیت امت اسلامی است. عرض کردم، شما دیدید در همین سالگرد شهید سلیمانی، در کشورهای مختلف، که خیلی از آنها اهل سنت هم بودند، آن تظاهرات عظیم و مانند اینها را به وجود آوردند. بایستی تصور نکرد که امروز ما حق داریم که با این مسئله ی انسجام ملی با بی توجهی رفتار بکنیم.

البته تذکرات دیگری هم هست که بارها گفته شده: تقویت امید و چشم انداز به آینده؛ این یکی از مسائل مهم امروز ما است. کسانی هستند که سعی میکنند امید را در جوانها تضعیف کنند و جوانها را نسبت به آینده ناامید و بی اعتماد کنند، تا چشم اندازی در مقابل آنها وجود نداشته باشد؛ این وظیفه ی ما است که این امید را در دلها تقویت بکنیم. [تقویت] این امید فقط هم با حرف زدن نمیشود؛ با تلاش، با حرکت [باید باشد]. و مسئولین کشور، دولتمردان کشور که خب بحمدالله مشغول کار و فعالیتند، به این نکته توجه کنند که بسیاری از کارهای مثبت آنها میتواند دل جوانها را پُر از امید کند، لبریز از امید بکند و اینها را امیدوار بکند. وقتی که جوان امید داشت، در میدانهای مختلف خوب کار میکند، خوب تلاش میکند، خوب درس میخواند، خوب تحقیق میکند. یکی این است که نگذارید بعضی با وسوسه های خود در فضای مجازی و غیر فضای مجازی در جهت مخالف امیدوار کردن جوانها حرکت بکنند.

یک نکته ی دیگر و تذکر دیگر هم این است که ما باید نگذاریم که موفقیت های جمهوری اسلامی مکتوم بماند؛ این یکی از مسائل واقعاً مهم است. خب ما امروز در مسائل اقتصادی مشکلاتی داریم؛ فرض کنید مسئله ی تورم، مسئله ی گرانی بعضی از اجناس، معیشت مردم بخصوص طبقات ضعیف، مشکلات بانکها، مشکلات مالیاتی و امثال اینها؛ خب اینها مشکلات ما است. بعضی، این مشکلات را آن چنان بیان میکنند که گویا هیچ موفقیتی در جمهوری اسلامی اتفاق نیفتاده و [آنها را] مکتوم میکنند. ده ها موفقیت در بخشهای مختلف نظام جمهوری اسلامی وجود دارد که بنده در بیانیه ی گام دوم (۵) به بعضی از اینها اشاره کرده ام. ما بایستی این موفقیت های بزرگ نظام جمهوری اسلامی را بگوییم و به یاد مردم و به یاد کسانی که غفلت میکنند بیاوریم. بنابراین این هم یک نکته است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

یک نکته ی دیگر، مسئله ی مردمی بودن است. خب بحمدالله دولتی که امروز بر سر کار است، ارتباطاتش با مردم خوب است؛ به میان مردم میرود، در بین مردم حضور دارد؛ یک حرکت مردمی، گرایش مردمی محسوس است که این را باید تکمیل کرد؛ اولاً ادامه پیدا کند. حالا بعضی همین را هم زیر سؤال میبرند که [باید] به اینها اعتنا نشود. واقعاً حضور در بین مردم ولو برای دولتمردان خسته کننده است - این کار سختی است، کار آسانی نیست - اما بسیار مؤثر است، بسیار خوب است و این ادامه پیدا کند. ثانیاً به وعده هایی که به مردم داده میشود عمل بشود؛ باید در موعد خود به این وعده ها عمل بشود که مردم بدانند جدیت هست. آنجایی که عمل به این وعده امکان پذیر نیست - مواردی پیش می آید که یک وعده ای داده شده ولی در عمل، امکانات فراهم نمیشود - آنجا، بروند برای همان مردمی که به آنها این وعده داده شده، صریح، واضح توضیح بدهند، بگویند علت اینکه این کار را نتوانستیم بکنیم این است و ان شاء الله مثلاً خواهیم کرد؛ این هم این [مورد] که عمل به وعده ها است.



یکی دیگر این است که گاهی اوقات صاحب نظران و متخصصین که جزو مردمند، نظراتی، شیوه‌هایی را برای کار در بخشهای مختلف به دولتمردان ارائه می‌دهند، [مسئولین] یک ساز و کاری را پیش بگیرند که بتوانند از این نظرات استفاده کنند که در حقیقت مردم را در تصمیم‌سازی‌های دستگاه‌های مسئول کشور شریک کنند؛ این یک و برای این هم که از ظرفیتهای مردمی هم در عمل چگونه بایستی استفاده کرد، ساز و کار درست کنند که مردم را در اقدام هم شریک کنند. کسان زیادی هستند که مایلند به دولت در بخشی از کارها کمک برسانند و کمک کنند؛ راهش باید مشخص بشود که طریقه‌ی اتصال کمک مردمی مثلاً به این بخش این است؛ اینها را باید بنشینند فکر کنند؛ اینها احتیاج دارد به فکر کردن، مطالعه کردن و مانند اینها.

و از ظرفیت مردمی هم برای نظارت عمومی استفاده کنند. در گوشه و کنار کشور مواردی هست که فساد هست، ویژه‌خواری هست که ممکن است از چشم مسئولین ذی‌ربط دور مانده باشد، پنهان مانده باشد؛ اینها را مردم مشاهده میکنند، می‌بینند؛ از ظرفیت مردم در این زمینه هم استفاده بشود. بنابراین مردمی بودن یکی از کارهای بسیار اساسی است و باید دولتمردان این را به همین شکلی که اجمالاً عرض شد دنبال بکنند.

و به طور کلی در مقابل این توصیه‌هایی که به مردم عزیزمان میکنیم، مسئولین محترم کشور هم باید خودشان را موظف بدانند که واقعاً با همه‌ی وجود کار کنند. البته امروز آن چیزی که من مشاهده میکنم، این است که بحمدالله مسئولین محترم -از صدر تا ذیل- مشغول کارند، تلاش میکنند و زحمت میکشند؛ تا آنجایی که ما چشممان مشاهده میکند و میبیند، دارند تلاش میکنند، واقعاً زحمت میکشند؛ این زحمتهای ان شاءالله مورد برکت الهی قرار بگیرد. این مجاهدتها را ادامه بدهند، برای مردم کار کنند، نیتشان را خالص کنند برای خدا، که این حرکت آن وقت عبادت بزرگی هم خواهد بود. من عرایض را پایان میدهم.

از خداوند متعال میخواهم که ملت ایران را در همه‌ی عرصه‌ها و صحنه‌ها موفق کند؛ بر دشمنانش پیروز کند؛ روح مطهر امام بزرگوار را شاد کند و با اولیائش محشور کند و او را از ما راضی و خشنود کند و بتوانیم شرمندگی امام بزرگوارمان نباشیم؛ ارواح طیبه‌ی شهدا را از ما راضی کند و آنها را با اولیای خودش محشور کند و ما را در مقابل آنها شرمند نکند.

مجدداً به مردم عزیز قم و به شما حضار محترم این جلسه، عرض سلام و اخلاص میکنم و امیدوارم ان شاءالله خداوند همه‌ی شما را مشمول لطف و رحمت و برکات خودش قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(۱) حاضران در این مراسم، در شبستان امام خمینی (ره) حرم مطهر حضرت فاطمه‌ی معصومه (سلام الله علیها) اجتماع کرده بودند.

(۲) «ایران و استعمار سرخ و سیاه» عنوان مقاله‌ای بود که در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۵۶ به دستور شاه و توسط عوامل او و با نام مستعار احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید که در آن امام خمینی (ره) را آماج توهین و تهمت و عامل خارجی معرفی کرده بود.

(۳) سوره‌ی طور، بخشی از آیه‌ی ۴۲: «... و[لی] آنان که کافر شده‌اند، خود دچار نیرنگ شده‌اند.»

(۴) ژنرال هایزر، ژنرال نیروی هوایی ارتش آمریکا بود که در چهاردهم دی ماه ۱۳۵۷ به منظور انجام کودتا و رهبری



ارتش شاهنشاهی برای جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی وارد ایران شد و یک ماه بعد، با شکست پروژه‌ی کودتا از ایران گریخت.

www.leader.ir

(۵ پیام به ملت ایران به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)